

(1) اسباب عظمت و جهانداری و آثار اہمت و کامکاری عالیحضرت بانی مبانی العدالہ و الاحسان (2) ناشر مناہج الامن و الامان قانع قواعد الظلم و الستم قاطع براہین الباطل بین الامم خاقان خواقین نامدار¹ شجاعاً للعظمه و السلطنه و الشوکہ و المعدلہ و الحکومہ و الایہہ و النصفه و العز و الاجلال اندریا کرتنا دوزی و نتو^{1r} نور الله قلبکم (3) بنور الایمان و سلطان سلاطین کامکار اشرح الله تعالی صدرکم بسرور التہذیب الادیان لحظه فلحظه در توالی و تصاعد باد (4) و کوکب اقبال جاودانی و اختراجلال دوجہانی بعد از قبول دولت مسلمانی بفیض فضل ربانی ساعہ فساعہ در ترقی و تزیاد (5) بعد هذا معروض راء عقدہ کشا آنکہ در تاریخ شہر ربیع الاول سنہ ست و اربعین و تسعمایہ در حوالی ولایت مرند من اعمال دار السلطنہ تبریز (6) کہ غیم سرادقات عظمت و جلال و مضرب خیام سلطنت و اجلال نواب کامیاب اعلی¹ ہمایون شاہی خلد الله ملکہ و سلطانہ و افاض علی العالمین برہ و احسانہ^{2r} بود جناب دولت آثار (7) سلالۃ الاحراء العظام میکائیل بیک دام توفیقہ را قافلہ سالار ہدایت رہنمایی کردہ بشرف عتبہ بوسی استان ملایک اشیان (8) بندکان درکاہ عرش اشتباہ سدرہ پناہ کہ قبلہ ارباب حاجات و کعبۃ اصحاب مناجاتست مفتخر و سرافراز کشتہ مکاتیب دننواز خدام (9) ذوی الاحترام بمطالعہ اشرف اعلی رسانید و نواب کامیاب اعلی¹ ہمایون شاہی خلد الله ملکہ و سلطانہ و افاض علی العالمین برہ و احسانہ^{3r} بعد از مطالعہ و ملاحظہ استفسار اخبار و احوال انجایی از (10) مشارالیہ نمودہ تحقیقات فرمودند و مومی الیہ در مجلس بہشت آیین بطریق کہ شیوۃ اصحاب فصاحت و شمع ارباب بلاغت و فراست است (11) کیفیت حالات کماہی بیان مینمود و نواب اعلیحضرت خاقانی را از اداہاء فرح امیز و کلمات

سرورانگیز مشارالیه خاطر انور (12) و رای جهان‌ارای منور لحظه فلحظه منبسط و مسرور می‌کردید چنانچه از محل طلوع خورشید تا وقت غروب متوجه افادات غریبه و عبارات عجیبه او (13) از استخبار بحاری احوال انجایی سپا اتفاق حسنه سلاطین نامدار^۴ و خواقین کامکار آن دیار که تا غایت اتفاق نیفتاده بود می‌بودند و آنچه از (14) صورت حالات بر مرآت ضمیر خورشید تنویر بندکان نواب کامیاب همیون سمت ارتسام می‌یافت بنفس بنفیس خود بفرزندان کیتی کشاء ملک سریر (15) و برادران ملک‌ارای کشورگیر و امراء خورشید لواء صاحب تدبیر و صدور منشرح الصدر روشن ضمیر و وزراء عالی قدر عطار نظر و نواب (16) سرایرده عزت و حجاب ابواب خلود و حشمت و سایر ارکان دولت فلک انتظام و باقی اعیان سلطنت اند اختتام تقریر می‌فرمودند و بلفظ کهربار (17) درر نثار بیان مینمودند که درین وقت که این چهار پادشاه نامدار متفق شده باشند وقت آنست که رایات نصرت‌آیات همیون ما نیز با عساکر (18) منصوره متوجه آن اقالیم شده جنود نامسعود رومیه شومیه بدمذهب‌ها بضرر قهقهه تیغ آبدار و طنطنه توب و تفنک آتش بار دمار (19) از روزگار نابکار برآورده ممالک مسخره ایشانرا در تحت تصرف بندکان استان رفیع الشان درآوریم و جهان‌را از خبث وجود ایشان پاک سازیم (20) و آنچه کمال عواطف بیدریغ شاهانه و مراحم بینهایت پادشاهانه بوده باشد نسبت بدان ولایة عظام اعلیمقام (21) بظهور رسانیم و طریقه محبت و مودت مسلوک‌بوده ابواب مکاتبات و مراسلات مفتوح باشد تا مترددین بی‌تشویش و تعبی تردد (22) نموده مانع و مزاحمی نداشته باشند و بعد از بیان اینمعنی که نواب کامیاب اعلی‌را اطلاع تمام بر پریشانیا و سرکردانیا و تعب راه ممالک روم (23) و غیر ذلک که میکائیل بیک مذکوررا دست داده بود از جلالت و مردانگی و یکجہتی و فرزانیکی او تعجب بسیار فرموده انواع شفقت و عنایت در باره او فرمودند (24) و مکررا بخلعتهای فاخر پادشاهانه مفتخر و سرافراز کردانیدند و در مراجعت او به پایه سریر خلافت مصیر مبالغه فرمودند اگر توجه ایشان نیز در قلع

و قمع بنیان (25) خالفان دین و دولت روی نمایند یقین است که مقاصد و مطالب
بر حسب مرام خواهد بود زیادت نرفت ظلال حشمت و اقبال بر مفارق عالمیان مخلص
و مستدام باد